

متن سخنرانی
استاد محمدرضا عابدینی
از فتح میدان تا تثبیت
پیروزی در جبهه روایت ها



۱۴۰۴/۰۴/۳

تمحیر
TAMHIS.IR

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام علیکم و رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى
اَبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ
نَاصِرًا وَدَلِيلاً وَغِيْناً حَتَّى تُسْكِنَ اَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيْهَا
طَوِيلاً

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِيْنًا * لِيَغْفِرَ
لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ
وَيَهْدِيْكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا » در رابطه با واقعه و جریانی که
پیش آمده، چند جمله ان شاء الله در محضر دوستان
هستیم.

ترسیم درست صحنه از اهداف دشمن

برای اینکه درست صحنه را ترسیم کنیم و بدانیم ما کجای کار هستیم ابتدا باید این نکته را در نظر بگیریم که دشمن در ورودش به این جنگ اهدافی را برای خودش ترسیم کرده بود، که این اهداف بعضی-اش آشکار بود بعضی-اش پنهان بود و از زوایای کلمات آنها آشکار می شد اما تدارکی را که دیده بود برای کار معلوم می کند که اهداف دشمن چی بود اگر بخواهیم به صورت کلی و کلان مسئله ی اهداف دشمن را ترسیم کنیم، تا اهداف روشن نباشد آن ارزیابی پیروزی و یا شکست معنا درست پیدا نمی کند.

مرحله بندی طراحی دشمن از جنگ

اگر مرحله بندی کنیم دشمن آن چه را که مطرح کرده بود ابتدا از بین بردن توان هسته ای ایران بود. مرتبه ی دومش آن چه که اظهار کرده بودند، توان موشکی ایران بود. در مرتبه

ی سوم، زدن سران بزرگ نظام بود و در مرتبه ی چهارم اغتشاش و تجزیه طلبی بود و در مرتبه ی پنجم براندازی، منظور قطعی و نهایی دشمنان ما بود، که این ها را بعضی-اش را حتی در لفافه و بعضی-اش را آشکارا از ابتدا و قبل از این اظهار کرده بودند و از نوع تدارکی که برای عملیات دیده بودند معلوم می شد که این توان و این تجهیزات، برای براندازی دیده شده بود. تدارکی که دیده بودند، به این عنوان بود.

محقق شدن کدام یک از اهداف دشمن؟

اگر ما نگاه بکنیم در صحنه، کدام یک از این اهداف دشمن محقق شد؟ هدف براندازی را که به هیچ وجه محقق نشد. هدف اغتشاش و تجزیه طلبی که اغتشاش مقدمه ی تجزیه طلبی بود که این هدف نه فقط محقق نشد، بلکه مقابله آن جریان اتحاد و همبستگی مردم یکپارچگی بی نظیر مردم که برای دشمن این شکست یکپارچگی، شکست کاملی در میدان بود که محقق شد، که پیش بینی این ها با صحنه ای که از شناخت مردم ما داشتند و جریانی که آماده کرده بودند، کاملاً بر این اساس بود که مردم

همراهی نمی کنند و با جنگ روانی که این ها راه می اندازند و ایجاد یأسی که نسبت به توانایی جمهوری اسلامی ایجاد می کنند از ابتدا، آماده می شود تا نیروها به اصطلاح میدان بیان و جمهوری اسلامی را براندازی بکنند و اغتشاش لاقلا عظیم بود که تضعیف قدرت نظام بود و به دنبالش آن حمله های نظامی پایان دهنده این کار بود.

تجربه قدرت همبستگی مردم بعد از سالیان

بلکه برخلاف، قدرت نظام را که شاید سالیانی ما چنین قدرتی را تجربه نکرده بودیم که همبستگی مردم بود. در جریان موشکی، آن آخرین توانایی های ما که به رخ همه مردم دنیا کشیده شد، جریان موشکی ما بود که تمام مظلومین عالم را امیدوار کرد و تازه آن ها صحنه ای را ایجاد کردند که ما وقتی که برای موشکی حرف می زدیم که چه توانایی هایی داریم کسی باور نمی کرد.

آشکار کردن توانایی موشکی ایران توسط دشمن

خودشان عرصه ی میدانی را ایجاد کردند که بالاترین لبه ی تکنولوژی و فناوری عالم را در پدافند داشتند و در مقابل این پدافند به اصطلاح میدانی که بالاترین لبه ی فناوری جهان بود، موشک های ما، تمام آن ها را به تم سخر گرفتند، به طوری که خودشان برای خودشان، این را آشکار کردند که تماشاگرند و گنبد آهنین تبدیل به آبکشی شده است که همه ی موشک ها از آن عبور می کنند و شاید آخرین حمله های ما، صد درصد موشک ها، به اصابت رسید.

شکست های دشمن در این عرصه جنگ

اگر از اوایل کمتر بود، آخرین حمله های ما صد درصد موشک ها به اصابت می رسیدند، که این نشان دهنده ی تسلیم بی چون و چرای توان پدافندی دشمن در مقابل آن نظام آفندی و حمله ی ما و تهاجمی ما بوده، که پس در این

عرصه هم شکست کامل مفتضحانه‌ای بر آن‌ها عارض شد. در عرصه‌ی هسته‌ای هم به غیر از آنچه که بر سطح زمین بود که به آن‌ها توان ستند آسیب‌هایی را برسانند اما نه ذخایر اورانیوم ما مورد آسیب قرار گرفت و نه آن تجهیزات زیرزمینی و آن در حقیقت قرارگاه‌های زیرزمینی هسته‌ای ما مورد آسیب قرار گرفت. اگر با این نگاه به عرصه و صحنه نگاه بکنیم، دشمن به هیچ کدام از آن اهدافی که ذکر کرده بود نرسید.

دلایل اظهار آتش بس

وقتی اظهار آتش بس از طرفی صورت می‌گیرد دو حالت دارد؛ یک حالت این است که در قدرت و اوج قدرت و اوج در حقیقت توانایی است که در آن حالت می‌آید می‌گوید من صحنه را بردم و تمام شده و لذا الان دیگر بعد از این حمله را کنار می‌گذارم چون تمام شده است. اما گاهی مربوط به این است که جریان وقتی می‌بیند خودش دارد از بین می‌رود از روی ضعف اظهار آتش بس می‌کند. چند روز بود که این‌ها به دنبال آتش بس بودند. ریزنی‌های مختلفی را با کشورهای اسلامی داشتند و همچنین عرصه‌ی جهانی را، کشورهای اروپایی را و دیگران را واسطه‌ی در آتش بس می‌کردند

اظهار آتش بس از روی ترس

که این نشان می داد که کسی- که دارد اظهار آتش بس و اعلام آتش بس می کند ولی در صحنه و میدان روز به روز دارد بیش تر از قبل می خورد، این نشان دهنده این است که ترس از واپاشی را دارند، ترس از بین رفتن کامل را دارند. لذا از روی عجز وقتی اظهار آتش بس می شود اینجا آن موقع جایی ست که ما قدرتمان آشکار می شود.

عدم دستیابی دشمن در عرصه نظامی و میدانی

پس نه دشمن ما در عرصه می دانی به هیچ کدام از آن اهدافش دست پیدا کرد و نه در عرصه ی نظامی توانست قدرتش را به رخ ما بکشد، بلکه ضعفش آشکارتر شد. همین در حقیقت یک طرف ماجراست.

قدرت عکس العمل کشور

طرف دیگر ماجرا این بود که ما در مقابل جریانی که یک ناگهانی جنگ را بر ما تحمیل کرد، قدرت عکس العمل کشور در اینکه از یک کشوری که دارد در آرامش زندگی می کند بتواند تمام دستگاه های اجتماعی، سیاسی، نظامی و تمام دستگاه هایش را بسیج برای حالت جنگ یکپارچه بکند، آن نه جنگ در مرزها فقط، در عمق شهرها بتواند چنین بسیجی را بکند، این قدرت یک کشور را می رساند.

رزمایش برای ما جهت جنگ های دیگر

لذا برای ما یک رزمایشی- ایجاد شد، برای جنگ های بعدی که ما یاد گرفتیم و توانستیم نشان بدهیم که با رهبری رهبر معظم انقلاب اولاً صحنه ای که با یک حالت بهت و شدتی ایجاد شد که فرماندهان ما را در یک سحر ترور کردند، فرماندهان اصلی میدانی جنگ را و از طرف دیگری جوری هک کردند نظام پدافندی ما را که قدرت عکس العمل پیدا

نکنیم و مردم را در یک حالت جنگ روانی اف سردگی و یأس قرار بدهند.

عکس العمل دقیق و سریع مقام معظم رهبری و جایگزین های فرماندهان شهید

اما به برکت رهبری عظیم و الهی مقام معظم رهبری، به سرعت فرماندهان ما جایگزین شدند، جایگزینی هم نه تازه این ها بیایند به اصطلاح بخواهند یاد بگیرند، بلافاصله در حال جایگزینی در عرصه عملیات قرار گرفتند و توانستیم بهترین عملیات را از همان روز اول، نه طولانی، ۱۲ ساعت بعد از اولین حمله های آنها، ما حمله نظامی خودمان را به بالاترین سطح نظامی عالم جلوه دادیم و این قدرت خودش یک پیروزی عظیم بود.

قدرت بالا جهت واکنش در کمترین زمان

که قدرت آماده شدن برای عملیات نظامی در کمترین به اصطلاح ساعت ها، دشمنان. گاهی به خودشان می بالند که ما نیروهای واکنش سریع برای حمله ها و پدافند داریم، که وقتی نگاه می کنیم در عرصه ها روزها برای آمادگی او تدارک می بینند تا محقق بشود. اما ما در عرض دوازده ساعت با وجودی که سران نظامی مان رازده بودند، این قدرت عملیاتی کردن ناامیدی شدیدی را در دشمن ایجاد می کند.

همراهی مردم عامل پیروزی

در عرصه ی داخلی نکته دیگرش همراهی مردم بود که به شدت این عامل پیروزی بود شاید بتوانیم بگوییم آنچه که در پیروزی ما نقش اساسی و یأس دشمنان، نقش اساسی داشت، همبستگی اجتماعی مردم بود که مردم شور و هیجان در ارتباط پیدا کردند. نه فقط حال یأس، هجوم به فروشگاه ها، نه! هیچ کدام از این ها! بلکه مردم در یک آرامش و نشاطی ناظر جنگ و حاضر در جنگ شدند و تازه داشتند گرم

می شد که در عرصه های جنگ بیش از گذشته دخالت داشته باشند. قرارگاه های مردمی بسیاری شکل گرفت که تا در جریان جنگ همه بتوانند دخیل بشوند. طراحی های بی نظیری محقق شده که مردم چطور در این عرصه سهم خودشان را بیشتر از گذشته ادا بکنند.

مقایسه روحیه های مردمی اسرائیل با ایران

خب با این نگاه ببینید در مقابل اسرائیل ببینید! که آنجا فرار از کشور چطور قیمتش بالا می رود، هم محدودیتی که آن ها ایجاد کردن در منع خروج فقط برای افراد خاص و هم رفتن از دریاها و هر جوری که برایشان ممکن بود، این دوتا روحیه است این علامت پیروزی و شکست اینجاست که روحیه های مردمی.

دیده شدن تجاوز به ایران در ادامه تجاوز به غزه

در نگاه جهانی و عرصه ی جهانی، الحمدلله بر آن عقبه جریان اسرائیل با غزه که شکل گرفته بود و ظالم بودن این ظالم کودک کش شکل گرفته بود، تجاوزش به ما در ادامه ی او دیده شد. لذا محکومیت جهانی این حمله را هم به دنبال داشت. این خودش یک پیروزی بود اولین باری بود که در جهان از ایران به عنوان وقتی پاسخ می دهد، خوشحالی جهانی و حمایت جهانی حتی حمایت مردمی فقط نه، حمایت دولت ها بی نظیر بود این دفعه در برابر دشمن صهیونیستی که ما داشتیم، این ها همه عرصه ی پیروزی را شکل می دهد.

عرصه های پیروزی

در عرصه ی داخلی پیروز بودیم، در عرصه جهانی پیروز بودیم، در عرصه ی کشور دشمن ما، ما پیروز بودیم، ما را آن ها پیروز می دیدند. خب وقتی این صحنه را نگاه می کنیم دشمن از روی ضعف وقتی اظهار آتش بس می کند و اظهار ذلت می کند، به تعبیری که در قرآن کریم آمده است که «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ

فَاجْنَحْ لَهَا» اگر با ذلت اظهار ضعف و زبونی و قبول کردند، شما بپذیرید.

دودستگی در درون دشمن

هرچند دشمن می خواهد در جنگ روانی خودش را غالب نشان بدهد اما از همین الان در درون خودشان و تحلیلگران و حتی نظامیان و حتی مسئولان خودشان، دودستگی و یکپارچگی کاملاً مشهود است که چرا شما اقدام کردید و ضعف را آشکار کردید؟ این یک تحلیل کلی راجع به میدان، که اگر با این تحلیل ما به میدان نگاه بکنیم، در رابطه با هزینه‌ای که آن‌ها کردند، دقت بکنید!

تنها هدف دست یافته شده توسط

دشمن

هزینه‌ای که آن‌ها کردند که تشکیلات درون کشورشان را با تمام امکانات و روابطی را که بود برای براندازی تجهیز کرده بودند و آماده کرده بودند. برای این هزینه و میدان را آماده کرده بودند! اما به هدفی که دسترسی پیدا کردند، یک هدف جزئی بود که به دست آوردند، که بعضی از فرماندهان عزیز ما

را که بسیار مکرماً نزد مردم ما، بسیار زحمت کشیده بودند را از دست ما گرفتند، که در عرصه ی میدانی جبران شد به سرعت با جایگزینی ها و درایت رهبری و در عرصه ی صدمات کمترین صدمه ی ممکن برای ما ایجاد شد اما این کمترین صدمه، با قیمت بالاترین هزینه ای که او برای براندازی تدارک دیده بود، این مقدار شکل گرفت.

هزینه ها و امکانات دشمن برای جنگ

لذا برای او سخت می شود! اگر برای این مقدار هزینه آماده کرده بود خودش را، برای این نتیجه هزینه کرده بود، می گفت به نتیجه رسید. اما او تمام امکاناتش را که چندین هزار نفر دستگیر شدند از تشکیلات داخلی این ها، که آن همه تجهیزات را منتقل کرده بودند، برای یک کار براندازی! اما نتیجه اش شده در حد چی؟ یک آسیب هایی که باعث در قبال آن چیزی که به عنوان برآیند اتحاد اجتماع ایجاد شد، این آسیب ها خیلی ناچیز بودند.

نگاهی که ما باید داشته باشیم!

من در ادامه ی این بحث نگاهی که ما باید داشته باشیم، به این می پردازم نگاه ما این است که جنگ حقیقت چند لایه است. جریان نظامی و قتال یکی از لایه های اولی اوست! همانطور که سابق از این هم عرض کرده بودیم در این جنگ های آخرالزمانی، هرچند به سمت آخرالزمان می رویم قدرت های حوادث و وقایع، سرعتشان و شدتشان خیلی زیاد می شود. به طوری که اگر کسی لحظه ای غفلت بکند کلاً جا مانده! به همین جهت می بینیم جنگ ناگهانی ایجاد شد، از این طرف آن اظهار ضعف و بیان پایان این جنگ نظامی از جانب آن ها، به سرعت اعلام شد.

داشتن واکنش سریع

واکنش های ما همانطوری که در مقابل جنگ سریع بود و توانستیم کاملاً در موقع عملیاتی قرار بگیریم، در این جریان هم که یک جریان جدیدی است الان دارد واقع می شود، اگر قرارگاه های عملیاتی ما به سرعت حال تهاجم خودشان را با این جریان جدید شکل بدهند، قطعاً پیروزی در این مرحله هم از آن ما کامل ترینش خواهد بود.

دوچندان شدن وظیفه قرارگاه‌ها

با این نگاه تمام قرارگاه‌های عملیاتی، الان وظیفه‌شان دو چندان می‌شود! نه فقط کم نشده بلکه دو چندان می‌شود که حالا از این به بعد در جریان تبلیغات و دیپلماسی عمومی ما باید بهترین نتیجه را نشان بدهیم، باز صحنه را درست ترسیم بکنیم، که ببینیم نه آن‌ها به اهدافشان رسیدند، بلکه ما در عرصه‌ی جهانی الان نظام قدرت ایران به عنوان یک قدرت برتر شناخته شده. همه دیدند، نه شنیدند! همه دیدند، این دیدن و در عرصه‌ی تبلیغات آن کاری که ما کردیم که آن‌ها حمله را شروع کردند و از روی ضعف هم خودشان آغازگر بودند برای پایان دادن، که آخرین شلیک‌ها را ما انجام دادیم، که این قبول شکست است.

قدرت مطلق

کسی که قدرت مطلق است آخرین پیروزی‌ها را برای خودش قرار می‌دهد، لذا اینجا پیروزی از آن قرارگاه‌های ما باید با قدرت بالاتر، امروز چی کار بکنند؟ عرصه‌ی اتحاد و همبستگی مردمی ارتباطات اجتماعی را شکل بدهند، که این چیزی که

در این جنگ ایجاد شد را حفظ بکنیم، بتوانیم این را برای آینده سرمایه بزرگی قرار بدهیم.

دلیل پذیرفتن آتش بس توسط دشمن

دشمن وقتی دید این اتحاد و همبستگی دارد شدت پیدا می کند، خودش را شکست خورده دید. برای شکست این اتحاد، آتش بس را پذیرفته! این را حواسمان باشد که دشمن برای شکستن این همبستگی و این روحیه حماسی و این نشاط این را پذیرفت چون این را می خواست. اگرما در اینجا به طوری شد که دوستان در مقابل هم قرار گرفتند، در تحلیل های غلط ماشه را وقتی داریم می کشیم، لوله ی اسلحه را به سمت خودمان گرفتیم که کجای کار ایراد دارد، وقت جنگ است و تمام اسلحه ها الان باید در تحلیل ها در بیان ها به سمت دشمن باشد. اگر این همبستگی در اینجا محقق شد، قطعاً پیروزی این مرتبه هم محقق شده اما اگر اسلحه را به سمت هم گرفتیم به طوری که دنبال این می گشتیم که کی اینجا کوتاهی کرده الان؟ این آن منش و روش رتیون نیست.

منش و روش ریون در این مرحله

منش و روش ریون در اینجا ثبات قدم است «وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» است. چی باعث می شود ثبات قدم ما در این مرحله ی دیگر جنگ ما را کمک بکند؟ همان اتحاد و همبستگی است و همان دشمن را، دشمن دیدن است، نه دوست را دشمن دیدن است.

عتاب قرار دادن داخلی ها، در مسیر دشمن بودن

اگر در این مسئله ندایی از کسی- بلند شد که دنبال این بود که داخلی ها را مورد عتاب خطاب قرار بدهد، آن ها را مقصر جلوه بدهد، قطعاً بدانیم که یا جاهلانه یا عامدانه عامل دشمن است که در مسیر نقشه ی اوست.

الان خطرترین زمان اتحاد و همبستگی

الان خطرترین موقعی است که ما باید همبستگی مان در مقابل دشمن و تیرهای دیپلماسی دشمن یکپارچه باشد. اتحاد و همبستگی مون در اوج باشد در انتهای کلام برای اینکه نوید و مردهای را که در انتظار ماست، با همان آیه ای که در ابتدا تلاوت کردیم، ان شاء الله این را تطبیق می کنیم.

جریان صلح حدیبیه و شمات پیغمبر توسط برخی اصحاب

جریان صلح حدیبیه که پیش آمد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی که با آن ۱۴۰۰ نفر با سلاح سفری نه سلاح جنگی، تا مکه رسیدند، ۲۰ کیلومتری مکه بودند، آن جریان پیش آمد که دشمن از پیغمبر اجازه خواست که این ام سال سفر را به مکه لغو کنند و برگردند و عمره را به جا نیاورند و سال بعد تا چندین سال، ۳ روز مکه را خالی می کردند، برای اینکه پیغمبر با مسلمان ها بیایند. پیغمبر

وقتی که این قرارداد را امضاء کردند، بعد از این امضای قرارداد که کاملاً پیروزمندانه بود اما به مذاق بعضی- از دوستان خوش نیامده بود، به خاطر بعضی- از بنده هایش که حالا الان فرصتش نیست، به مفاوضات دوستان رجوع کنند، پیغمبر را تخطئه کردند! پیغمبر را مورد آزار و شماتت لفظی و بیانی قرار دادند. حتی بعضی- از معروفین آمدند اظهار کردند که تو ما را به ذلت انداختی با این قبول ولی وقتی که این جمعیت همراه پیغمبر برمی گشتند به مدینه در راه برگشت، سوره ی فتح نازل شد که با این طلیعه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» ما فتح مبین برای تو قرار دادیم. «لِيُغْفَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ»

تطهیر پیغمبر و تغیر نگاه ها به

ایشان

که آن چه که در نگاه های دیگران این ها از تو جلوه داده بودند، به طوری که تو را مقصر می دیدند در هر جریان مشکل اجتماعی که بود، اختلافاتی که بود، کشته شدن های که بود، تو را مقصر نشان می دادن با این جریان تو تطهیر شدی، به طوری که نگاه های جهانیان به تو تغیر کرد و همه

تو را به عنوان یک حقیقت قدرتمندی که دنبال اصلاح هستی، دیدند. با این نگاه پیغمبر وقتی که به مدینه آمد خیلی زیباست! پیغمبر وقتی که به مدینه آمد، ۲۰ روز بعد از این جریان که رسید به مدینه، آغاز لشکرکشی- پیغمبر برای جنگ خیبر بود.

مقایسه و تطبیق اسرائیل با یهودیان در جنگ خیبر

خیبر در آن زمان قلعه‌های هفت‌گانه‌ای بودند که از گنبد آهنین امروز، همان چیزی که امروز بوده، قلعه‌های تودرتویی غیرقابل تسخیر! یعنی یهودی‌ها اصلاً امکان تسخیر این را برای کسی نمی‌دیدند و خودشان را در رابطه با جریان نظامی جنگاور کامل و جریان قلعه‌هایشان حافظ کاملشان بود اما قلعه‌هایی پس از دیگری در چند روز سقوط کرد و باعث شد همه‌ی ریشه‌ی یهود با نژادهای مختلف‌شان که در مدینه بودند با شکست قلعه‌ها و فرو ریختن، قلعه‌ها از هم پاشیدند.

شروع پذیرفتن جریان بعد از جنگ خیبر

به طوری که سرزمین های اسلامی آبادترین هایش که آنجا بود به دست مسلمان ها افتاد. نگاه اقتصادی تغییر کرد، نگاه اجتماعی تغییر کرد، قدرت نظامی تغییر کرد، نگاه مردم به پیغمبر تغییر کرد، و جریان ورود به اسلام چندین برابر سابق شد یعنی از اینجا به بعد بود که جریان اسلام و پذیرفتن اسلام آغاز شد. و بعد از این سال بعد از اینکه خیبر فتح شد، فتح مکه شد یعنی اگر که صلح حدیبیه در سال ۶ هجری بود، سال ۷ هجری جریان فتح خیبر بود، نه یک سال گذشته باشد اما در سال هفتم محقق شد و در سال هشتم هم فتح مکه محقق شد و بعد هم آن گسترش کامل اسلام در سراسر عالم.

عمل کردن به تکالیف

با این نگاه ان شاء الله اگر ما به تکالیفمان درست عمل کنیم، آن پیروزی را احاطه ساس کنیم، ضعف دشمن را ببینیم، برای ضعیف تر کردن دشمن تمام لوله ها را به سمت تمام

کلمات مان را، تحلیل هایمان را، آشکار کردن ضعف بالاتر دشمن قرار بدهیم. اگر ضعفی در درون جبهه ی حق هست با آن نگاه رساندن درونی این مسئله به جبهه ی حق، نه بیرونی، نه در عرصه ی بیرونی، در عرصه درونی، دنبال جبران آن ضعف ها هم ان شاء الله باشیم.

یقین بدانید صلح تحمیلی نیست!

پس با این نگاه ما الحمد لله پیروزی را پیدا کردیم، یقین بدانید که این صلح تحمیلی نیست. آن صلح تحمیلی جایی بود که دشمن با قدرت او را بر ما تحمیل کند اما دشمنی که از روی ضعف این را آغاز کرد و خودش آغازگر بود، هیچ گاه با قدرت این را پایان نداده. بلکه خودشان از درون خودشان اظهار می کنند، با کمال ضعف و عجز آن هم با آوردن بابایشان به میدان، با کمک پدرشان تازه اینجا آمدند در جنگ هردو، با وجود اینکه این پدر و پسر ناخلف و پدر ناخلف، هردو وارد جنگ شدند، اینجا جنگ به نفع ما تمام شد.

شکست اهت آمریکا

و یک اهت هم در عالم شکست، که اگر آمریکا وارد جنگی بشود چه می شود؟! آمریکا وارد این جنگ شد و هیچ میدان تغییری نکرد! کانه مثل آن گنجشکی که روی درخت نشست وقتی می خواست بلند شود به درخت گفت مراقب باش می خواهم بلند شوم، گفت من نشستنت را هم نفهمیدم که حالا تو می خواهی بلند شوی و فکر می کنی کسی - بودی!! این شکسته شدن اهت اینکه آمریکا در جنگی داخل بشود، مانند نشستن این گنجشک بود در این جنگ! هیچ تأثیری و تغییری نه در مردم ایجاد کرد نه ترسی ایجاد شد، زندگی مردم هم تغییر نکرد. این شکست هم شکست کمی نبود برای آمریکا و زدن پایگاه بزرگ ترین پایگاه غرب آسیای آمریکا هم در شکسته شدن بیشتر این اهت تأثیرگذار بود.

روایت الهی این جریان

روایت الهی از این جریان را یادمان نرود که خدا پشتیبان ماست «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»

بهترین عکس العمل جریان دیپلماسی کشور ما در نظام جهانی

نکته دیگری که در اینجا حائز اهمیت است این است که جریان دیپلماسی و نظام سیاسی کشور ما هم قبل از جنگ و هم حین این جنگ دو هفته‌ای و هم اکنون الان، بهترین عکس العمل را در نظام جهانی داشتند به طوری که حقیقتاً توانستند کنفرانس اسلامی را که با محکوم کردن جریان حمله اسرائیل شکل گرفت. اتحادیه ی عرب را و حتی کشورهای مختلفی با اینکه سابقه نداشت، آمریکا را بعد از حمله‌ای که به ایران کرد محکوم کردند. این محصول هم آن نظام رهبری داهیانه ی کشور، اتحاد و همبستگی مردم و قدرت نمایی مردم بود و هم دیپلماسی موفق بود که کشور ما داشت. لذا به آنها هم خسته نباشید می‌گوییم در این مسئله و پشتیبانی می‌کنیم.

دو امدادی بودن صحنه ی الان

و نگاهمان هم این است که این یک دوی امدادی است که تا الان صحنه را، آن دو به دست نظامیان ما و مردم بود که اینجا تا به اینجا، به سرعت سبقت را توانستند از همه ی رقیبان داشته باشند و پیروزی را تا این مرحله داشته باشند. از این به بعد این کار دست قدرت دیپلماسی دولتی ما و دیپلماسی عمومی ماست که این دورا باید به سرانجامش برسانند تا موفقیت ماکامل شود. مردم باید پشت دیپلماسی دولتی در جانب اتحاد و همبستگی شان حتما باشند.

به بار نشستن ثمره خون شهیدان

نکته ی دیگر این است که شهدای گران قیمت ما که در این عرصه، چه از فرماندهان ما، چه دانشمندان ما، چه مردم در صحنه ما و مجاهدان ما، در همه ی طبقات اجتماعی و همه تیپ های اجتماعی حضور داشتند و شهیدانی را تقدیم کردند، بدانند که ثمره ی خون آنها به بار نشسته و این ضعف دشمن و قدرت ما، با آن خون شهدا باعث به بار

نشستن این جریان شد. لذا حتماً ببالند به خودشان که شهیدان این ها بالاترین شهیدان تمام دوران ما هستند.

مقام والای شهدای این جنگ

چرا که شهید در مقابل صهیونیسم کودک کش و این در حقیقت جرثومه ی فسادى است که بالاترین شقاوت را دارد، که اگر کسی - به دست شقى ترین افراد کشته مى شود بر حق ترین خون هاى است که ریخته مى شود. لذا اگر امیر مومنان (علیه السلام) به شهادت مى رسد، با بیان اینکه به دست اشق الاشقیاء به شهادت رسیده این شهادت تلقى مى شود و لذا شهیدان این دوره ی ما، در کنار شهیدان دیگر ما، این شهیدان به دست شقى ترین افراد به شهادت رسیدند، که این خون ها طاهرترین خون ها و پربارترین خون ها خواهد بود ان شاء الله خدای سبحان همه ی ما را کمک بکند که وظیفه مان را در این دوره بهتر از دوره ی گذشته انجام بدهیم.

مشهور بودن دشمن به فریب و خیانت

نکته بعدی این است که دشمن ما به فریب و خیانت و قدر از ابتدا مشهور بود. وقتی مروان خدمت امیرمنا (علیه السلام) آوردنش بعد از جنگ جمل برای بیعت، امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمودند بیعت این برای من فایده‌ای ندارد! دست این دست یهودی است و دست یهودی دست خیانت و قدر و فریب است، لذا بیعت از این نمی‌خواهم!

آمادگی به مقابله و دست روی ماشه بودن در مقابل پیمان شکنی

پس ما در این جریانی که پیش آمده هر چند اگر حتی تعهد نکنند که به مفاد آتش بسی- که اگر بعداً اعلام بشود پایبند باشد، ما با کار و سابقه‌ای که از آن‌ها داریم که اساس شان بر دروغ و فریب است باور به او نداریم. لذا دستان بر ماشه‌هاست آماده‌ی مقابله هستیم و هیچ لحظه‌ای را برای مقابله از دست نخواهیم داد. پس این جوری نیست که حتی

جنگ نظامی پایان یافته باشد، بلکه آمادگی ما برای اینکه ناگهانی و بغتاً این ها پیمان شکنی بکنند، بیش از گذشته هم باید باشد و ما هیچ گاه گول در حقیقت آن عهدنامه ها و مذاکرات آن ها را نخواهیم خورد، که یهود به پیمان شکنی در سراسر عالم معروف است.

سه مرحله اساسی

نکته دیگر این است که باید توجه بکنیم، ما سه مرحله اساسی داریم: یک مرحله گفتگوست، مرحله دیگر مذاکره است، مرحله دیگر آن است که به نتیجه ای برسند و قراردادی را امضا بکنند. در مرحله ی اول ه ستیم ما الان که گفتگوست، که اگر این گفتگو بتوانیم در حقیقت به نتیجه برسیم، باب مذاکره باز می شود. در مذاکره هر کسی - آنچه را که وسط دارد می آورد مطرح می کند حرف هایش و شرط هایش را مطرح می کند.

مراقبت در جهت گول نخوردن

پس از اینکه اگر در مذاکره به نتیجه رسیدند، آن موقع ممکن است که در حقیقت یک قراردادی امضا بشود تا طرفین با وجود ناظرهای بین المللی او را به سرانجام برسانند. لذا مراقب باشیم گول نخوریم ما الان در مرتبه گفتگو هستیم و هر لحظه این گفتگو ممکن است به ادامه ی جنگ منجر بشود و لذا ما جنگ را پایان یافته حتی جنگ نظامی را پایان یافته نمی دانیم.

به رسمیت نشناختن اسرائیل غاصب و آمریکا جهت گفتگو

البته معلومه که ما دولت غاصب اسرائیل را به هیچ وجه به رسمیت نمی شناسیم و لذا مذاکره با این دولت را هم اصلاً در نظر نداریم. البته میانجی گران جهانی در این کار، در کار بودند. اگر گفتگویی هم صورت می گیرد و قرار باشد مذاکره ای شکل بگیرد حتماً در دایره ی کسانی است ما آن ها را اقلأً به عنوان ناظران بین المللی قبول داریم نه این دولت غاصب فریبکار را و نه حتی دولت آمریکا را. ما دولت آمریکا را به

عنوان طرف مذاکره نمی پذیریم! همچنان که در گفتگوهای سابقمان هم مذاکراتمان غیرمستقیم بود. آنها را به حدّ مستقیم هم برای مذاکره قبول نداشتیم.

شاگرد بودن جهت نعمت رهبری مقتدر

نکته مهم و دقیقی که همه باید به آن توجه بکنیم و از خدای سبحان شاگرد باشیم که چنین رهبر مقتدر الهی قدرتمند خدا نصیب ما کرده که با یقین و صلابت تمام مراحل سخت این دوران را با راحت ترین تدابیر به سرانجام رساندن به طوری که مردم احسّاس جنگ در ایشان ایجاد نشد! هر چند بسیج شدند اما با آرامش کامل و این آرامشی بود که از وجود رهبر معظم به جامعه القاء شد و آنها این آرامش را از این وجود با برکت داشتند. چیزی که تمام دشمنان ما، بتمامه از آن محروم هستند و رهبران غیر از القاء شکست و اضطراب و بحران به مردمشان چیزی منتقل نکردند. این را قدردان هستیم و خدای سبحان را سپاسگزاریم و طول عمر با عزّت و سلامتی و نفوذ کلمه ی بیشتر ایشان و اینکه ان شاء الله این پرچم را به دست صاحبش

برسانند و این مقدماتی برای تعجیل در فرج و دیدن و روشن شدن چشم ما به جمال مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ان شاء الله باشد.

بلند کردن دست تضرع به سوی خدای سبحان بیش از گذشته

نکته پایانی که در این م سئله ضروری است، این است که همانطوری که در دوران جنگ ما به جهت معنوی توجه ویژه داشتیم و خدا را حاکم می دیدیم و دست خدا را در صحنه می دیدیم، موشک های ما نبود که آن ها را مورد اصابت قرار می داد، بلکه «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ» دست خدا را قدرت غالب می دیدیم که آن ها را بر زمین خوارکننده زد، الان هم دست تضرع به سوی خدای سبحان بیش از گذشته بالا می بریم و قطعاً باید دوستان با توسل به ادعیه و به خلاصه دعاها و توسلات و قرآن کریم بیش از گذشته چنگ بزنیم و حتماً آن سه موردی را که رهبر معظم فرموده بودند، شاید در این شب ها لازم باشد دعای توسل هر شب باشد، دعای چهاردهم صحیفه هر شب باشد و خواندن سوره فتح را به عنوان یک کار عهد جمعی جدی، حتماً یک پویش

اجتماعی برای این قرار بدهیم که لازمترین است در این
زمان هایی که زمان های طلایی است برای آنکه قدرت غالب
خودش را نشان بدهد، که با عنایات الهی «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ